

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احکام کنسان

مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر
حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی)

زیر نظر استاد محقق فیاض بخش

ویراست اول: بهار ۱۴۰۲

سرناسنامه: مکارم شیرازی ناصر، ۱۳۰۵ -	گناهان روابط زن و مرد و ملحقات آن - ج. ۶. احکام مرتبط با حقوق عمومی - ج. ۷. احکام گناهان اعتقادی - ج. ۸. احکام گناهان مربوط به خوردن و آشامیدن -
عنوان و نام پدیدآور: احکام توبه از گناهان: مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر، آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی) / زیر نظر محمدتقی فیاض بخش؛ به کوشش هیئت علمی موسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی علیه السلام.	موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه
مشخصات نشر: تهران: فیض فرزانه، ۱۴۰۰ -	موضوع: فتوهای شیعه -- قرن ۱۴
مشخصات ظاهری: ج.	موضوع: Fatwas, Shiites -- ۲۰th century
شابک: دوره: ۳-۴-۹۷۵۷۵-۹۷۵-۶۲۲-۹۸۷ ؛ ج. ۱: ۶-۳-۹۷۵۷۵-۹۷۵۷۵-۶۲۲-۹۷۵-۵-۰-۰ ؛ ج. ۲: ۴-۷-۹۷۵۷۵-۶۲۲-۹۷۵-۵-۰-۰ ؛ ج. ۳: ۷-۶-۹۷۵۷۵-۶۲۲-۹۷۵-۵-۰-۰ ؛ ج. ۴: ۴-۷-۹۷۵۷۵-۶۲۲-۹۷۵-۵-۰-۰ ؛ ج. ۵: ۵-۷-۹۷۵۷۵-۶۲۲-۹۷۵-۵-۰-۰ ؛ ج. ۶: ۸-۸-۹۷۵۷۵-۶۲۲-۹۷۵-۵-۰-۰ ؛ ج. ۷: ۱-۹-۹۷۵۷۵-۶۲۲-۹۷۵-۵-۰-۰ ؛ ج. ۸: ۱-۶-۹۷۵۷۵-۶۲۲-۹۷۵-۵-۰-۰ ؛ ج. ۹: ۱-۶-۹۷۵۷۵-۶۲۲-۹۷۵-۵-۰-۰	موضوع: گناه (اسلام)
وضعیت فهرست نویسی: فیپا	موضوع: Sin -- Islam
مندرجات: ج. ۱. احکام شرعی توبه و مسائل پیرامون آن - ج. ۲. احکام گناهان زیان - ج. ۳. احکام گناهان مالی - ج. ۴. احکام	شناسه افزوده: فیاض بخش، محمدتقی، ۱۳۳۲ -
	شناسه افزوده: موسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی
	رده بندی کنگره: ۹۷۵۷۵-۶۲۲-۹۷۵-۵-۰-۰ / B۱۸۳/۹
	رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۴۲۲
	شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۱۰۵۴
	اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

جلوه نور علوی

مؤسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی

تلفن: ۰۹۰۳۳۹۸۷۹۹۰، (۰۲۱) ۳۳۹۸۷۹۹۰

سایت: www.jelveh.org

احکام گناهان

مطابق با فتاوی مرجع عالی قدر، آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله العالی)

زیر نظر استاد محمدتقی فیاض بخش

گردآوری و تدوین: سجاد رازگردانی و محمدتقی جوادی

ناشر: انتشارات فیض فرزانه

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲

شابک: ۳-۴-۹۷۵۷۵-۹۷۵۷۵-۶۲۲-۹۷۵

تمامی حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مؤسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی ع است.

فهرست مطالب

۳	احکام گناهان
۵	فهرست مطالب
۹	مقدمه
۹	اهمیت اخلاق و مسائل اخلاقی
۱۰	اهمیت شناخت حلال و حرام
۱۰	جایگاه ویژه انجام واجبات و ترک محرمات، در سیر به سوی «توحید»
۱۵	شناخت محرمات، لازمه توبه صحیح و پیشگیری از ارتکاب دوباره
۱۷	تبیین مقصود از «احکام گناهان»
۱۷	پیشینه «احکام فقهی گناهان»
۱۹	تدوین مجموعه کتب «احکام گناهان»
۱۹	مراحل گردآوری و تدوین این اثر
۲۸	توبه
۲۸	«توبه»، در ثقلین
۳۱	احکام کلی «توبه»
۳۳	احکام گناهان «زبان»
۳۳	دروغ
۴۹	غیبت
۶۰	تهمت و افترا
۶۵	نمیمه (سخن چینی)
۶۷	فحش و دشنام
۷۱	لعن و نفرین به ناحق
۷۵	تحقیر، توهین و استهزا (تمسخر)
۸۵	مراء و جدال
۸۹	افتا (فتوادادن) و قضاوت به ناحق
۹۲	مدح غیرمستحق و تملق (چاپلوسی)

۹۴.....	اظهار تفاخر.....
۹۷.....	خلف وعده و نقض عهد.....
۹۹.....	واجب شدن عملی که با خدا عهد بسته.....
۱۰۰.....	شرایط عهد شرعی با خداوند.....
۱۰۰.....	حکم ادای وعده‌ای که به زن داده شده.....
۱۰۰.....	نذر و عهد غیر صحیح.....
۱۰۱.....	انتفا (بیزاری از نسب).....
۱۰۲.....	افشای سِر (فاش کردن راز پنهان).....
۱۰۴.....	کتمان حق و شهادت ندادن.....
۱۰۷.....	احکام گناهان «مالی».....
۱۰۷.....	معاملات، مشاغل و درآمدهای حرام.....
۱۲۳.....	ربا.....
۱۲۸.....	حکم ربا در شخصیت حقیقی و حقوقی.....
۱۳۰.....	محرمات مربوط به بانکداری.....
۱۳۸.....	غش در معامله و تدلیس.....
۱۴۶.....	نجش.....
۱۴۸.....	تطفیف (کم فروشی).....
۱۵۰.....	احتکار.....
۱۵۳.....	رشوه.....
۱۵۹.....	اکل (خوردن) مال یتیم.....
۱۶۴.....	غصب.....
۱۷۰.....	سرقَت (دزدی).....
۱۷۷.....	احکام گناهان «روابط زن و مرد و ملحقات آن».....
۱۷۷.....	محرمات مربوط به پوشش و حجاب.....
۱۹۴.....	نگاه حرام.....
۲۱۰.....	دوستی و معاشرت‌های نامشروع با نامحرم.....

۲۱۸	استشمام و عطردنِ حرام
۲۲۰	لمس و مسّ حرام
۲۳۲	استمنا
۲۳۷	اعمال مُنافی عفت (زنا، لواط و مساحقه)
۲۴۱	قذف
۲۴۵	قیادت (واسطه‌گری برای فحشا) و دیانت
۲۴۹	احکام گناهان مربوط به «لهوولعب» (موسیقی حرام، رقص و قمار) غنا و موسیقی حرام
۲۶۲	رقص
۲۶۸	قِمَار و شرط‌بندی
۲۷۶	احکام گناهان مربوط به «حقوق و تعاملات اجتماعی و خانوادگی»
۲۷۶	ایذا (آزار و اذیت کردن)
۲۸۷	حبس و تضييع حقوق واجب مردم (عدم رعایت حق الناس)
۳۱۶	عاقّ والدین
۳۲۰	قطع رحم
۳۲۶	فتنه‌انگیزی و تفرقه‌افکنی
۳۳۰	تجسس
۳۳۴	کوتاهی در رفع حوائج مسلمین
۳۳۶	خیانت
۳۴۳	تضعیف نظام اسلامی و قانون‌شکنی
۳۵۳	احکام گناهان مربوط به «باورهای اعتقادی»
۳۵۳	شرک و کفر
۳۶۱	بدعت و خرافه‌پرستی
۳۷۲	هتک و وهن مقدسات
۳۹۱	سحر و ملحقات آن (تنجیم، کهانت، احضار روح و جن، فال‌گیری، و ...)
۳۹۹	تَعَرُّب پس از هجرت
۴۰۳	دوستی و معاشرت با دشمنان دین و منحرفان

۴۰۸.....	صَدِّ وِإِضْلَالِ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ (بازداری و گمراه کردن از راه حق)
۴۱۴.....	احکام گناهان مربوط به «خوردن و آشامیدن»
۴۱۴.....	اسراف و تبذیر
۴۲۲.....	خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های متفرقه حرام
۴۳۳.....	محرمات مربوط به صید و ذبح
۴۵۳.....	استعمال مُسکِرَات (مست‌کننده‌ها) و مواد مخدِّر
۴۶۴.....	احکام گناهان مربوط به «خود گناه»
۴۶۴.....	کوچک شمردن اوامر و نواهی الهی
۴۶۷.....	اشاعه فحشا (گناه) و ترویج فساد
۴۷۱.....	کمک و همکاری با ظالم و گنهگار (در ظلم و گناه)
۴۷۹.....	اصرار بر گناه
۴۸۱.....	اعتراف به گناه (نزد خلق خدا)
۴۸۳.....	حضور در مجلس حرام و ورود و خروج حرام
۴۹۶.....	احکام برخی از گناهان دیگر
۴۹۶.....	قنوط من رحمة الله (نامیدی از رحمت الهی)
۵۰۰.....	تشبه به کفار
۵۰۵.....	مجسمه‌سازی و تصویرگری حرام
۵۰۸.....	ریش تراشی
۵۱۰.....	منابع و مأخذ

مقدمه

باسم الله الرحمن الرحيم و الحمد لله رب العالمين. و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما الامام المنتظر بقیة الله عنه عليه السلام و روحه القدس.
«مَرَوِيٌّ عَنِ الْمَهْدِيِّ عليه السلام: اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبَعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَصِدْقَ النَّبِيِّ وَ عِرْفَانَ الْحُرْمَةِ...»^۱

اهمیت اخلاق و مسائل اخلاقی

اهمیت اخلاق و مباحث اخلاقی بر هیچ کس پوشیده نیست. این اهمیت تا جایی است که از اول شخصیت عالم امکان و با اخلاق ترین انسان تاریخ، یعنی حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه السلام نقل شده است که ایشان هدف بعثتشان را تمام کردن «مکارم اخلاق» (فضائل اخلاقی) بیان فرمودند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^۲
اصلاح اخلاق و دوست داشتن فضائل اخلاقی امری فطری است؛ چون هیچ انسانی نیست که رذائل اخلاقی را دوست داشته باشد و از فضائل اخلاقی منزجر باشد؛ مگر اینکه فطرت پاک و الهی او دستخوش تغییر شده باشد. بنابراین «اخلاق» و «مسائل اخلاقی» از حیات بشر جدایی نمی پذیرد؛ زیرا به طور کلی امور فطری از حیات انسان جدایی ناپذیرند. اقوام روزگار به اخلاق زنده اند قومی که گشت فاقد اخلاق، مردنی است^۳

۱. المصباح (للكفعمي)، ص ۲۸۰.

۲. مستدرک الوسائل و مستنط المسائل، ج ۱۱، ص ۱۸۷.

۳. قطعات ملک الشعراى بهار، شماره ۲۴.

اهمیت شناخت حلال و حرام

«فقه» اصطلاحی - که می‌توان از آن به علم حلال و حرام یاد کرد - نیز به طور کلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ تا جایی که می‌توان گفت: بیشترین اهتمام علما و فقهای شیعه، در طول تاریخ، بدین مسئله بوده است.

ریشه این اهمیت نیز به تأکیدات متعدد موجود در قرآن و سنت - مبنی بر علم و عمل به حلال و حرام - برمی‌گردد. در اینجا تنها به یک روایت شریف، پیرامون این مطلب، اشاره می‌نماییم:

«عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَارِعُوا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لِحَدِيثٍ وَاحِدٍ فِي حَلَالٍ وَحَرَامٍ تَأْخُذُهُ عَنْ صَادِقٍ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا حَمَلَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (...المحدث، ۲)

«جابر بن یزید جعفی از امام باقر عليه السلام نقل می‌کند که فرمود: در طلب علم بشتابید؛ زیرا قسم به کسی که جانم در دستش است، یک سخنی که در حلال و حرام از (شخص) راستگویی بگیرد (بیاموزی)، بهتر است از دنیا و آنچه از طلا و نقره حمل نماید. و آن (به سبب) این است که همانا خداوند می‌فرماید: «هرآنچه رسول (خدا) برای شما آورد، پس آن را بگیرید (عمل کنید) و از هرچه شما را نهی نمود، پس آن را رها کنید... الخ.»

در نتیجه مطالبی که ذکر شد، آن دسته از مباحثی که پیوند و ارتباطی بین فقه و اخلاق ایجاد می‌کند، از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد.

جایگاه ویژه انجام واجبات و ترک محرمات، در سیر به سوی «توحید»

در طول تاریخ اسلام، نگرش‌ها و مکاتب اخلاقی و عرفانی گوناگونی وجود داشته است که هر یک دغدغه سیر به سوی کمال بی‌نهایت و وصول به حقیقت مطلق (توحید) را داشته‌اند. به جرئت می‌توان گفت: در قریب به اتفاق این نگرش‌ها و مکاتب، از

۱. الحشر، ۷.

۲. المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۷.

اولین گام‌های سیر به سوی کمال بی‌نهایت و -به اصطلاح- سلوک الی الله، انجام واجبات و ترک محرمات است.^۱

ریشه این مسئله (ترک محرمات) نیز علاوه بر قرآن کریم، در کلام عترت طاهره علیهم‌السلام موجود است. در این قسمت، تنها دو نمونه از روایاتی که به این مطلب اشاره می‌فرماید را ذکر می‌نماییم:

۱. «عَنْ سَلَامِ الْجُعْفِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْإِيمَانِ، فَقَالَ: الْإِيمَانُ أَنْ يُطَاعَ اللَّهُ فَلَا يُعْصَى.»^۲ «سلام جعفی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد ایمان سؤال کردم؛ ایشان

فرمودند: ایمان آن است که خداوند اطاعت شود، پس در نتیجه مورد عصیان قرار نگیرد.»

۲. «عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مِنْ أَشَدِّ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ ذِكْرُ اللَّهِ كَثِيرًا يُؤْتَمَّرُ قَالَ: لَا أَعْنِي سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَإِنْ كَانَ مِنْهُ وَلَكِنْ ذَكَرَ اللَّهُ عِنْدَ مَا أَحَلَّ وَحَرَّمَ فَإِنْ كَانَ طَاعَةً عَمِلَ بِهَا وَإِنْ كَانَ مَعْصِيَةً تَرَكَهَا.»^۳ «ابوعبیده از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: از شدیدترین چیزهایی که

خداوند بر خلقش واجب ساخته، ذکر بسیار خداست. سپس فرمود: مقصود گفتن سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر نیست -اگرچه این هم از جمله ذکر است-؛ بلکه مقصود یاد آوردن خدا در آنچه حلال و حرام فرموده، می‌باشد که اگر اطاعت خداست، عمل کند و اگر معصیت است، ترک نماید.»

عقل نیز حکم می‌کند که اگر چیزهایی مانع تکامل و پیشرفت انسان به مدارج قرب الهی است، باید از میان برداشته شود و چه مانعی بزرگ‌تر از گناه و معصیت پروردگار متعال؟!

۱. از آنجایی که ترک هر عمل واجبی نیز، محرم و معصیت می‌باشد، به طور کلی از این مسئله با تعبیر «ترک محرمات» یاد می‌کنیم.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۳۳.

۳. همان، ص ۸۰.

عصیان و سرپیچی عبد از امر مولا - که در لسان شرعی «حرام» نامیده می‌شود - مبعوض مولاست. با مبعوض مولا نمی‌توان محبوب او گردید. عاشقی که همواره شور دیدار معشوقش را در سر دارد و طالبی که قدم در راه رسیدن به مطلوب خود گذاشته، اگر کاری که آن معشوق و مطلوب را بیازارد، مرتکب شود، روزبه‌روز از آن محبوب دورتر می‌گردد؛ درحالی که او خیال می‌کند دارد به محبوب نزدیک می‌شود؛ ولی زهی خیال باطل!

برای تثبیت بهتر این مطلب، سزاوار است در اینجا به داستانی زیبا که ضرورت رفع و دفع معاصی را در قالب تمثیل بیان می‌کند، اشاره نماییم. مولوی در بخشی از مثنوی معنوی خود سروده است:

گندم جمع آمده گم می‌کنیم	«ما در این انبار گندم می‌کنیم
کین خلل در گندم است از مکر موش	می‌نیندیشیم آخر ما به هوش
وز فنش انبار ما ویران شده‌ست	موش تا انبار ما حفره زده‌ست
وانگهان در جمع گندم جوش کن	اول ای جان! دفع شرّ موش کن
گندم اعمال چل ساله کجاست؟! ^۱	گر نه موشی دزد در انبار ماست

همان‌طور که در این تمثیل، جمع کردن گندم در انبار بی‌فایده است، چون موشی درون آن است که گندم‌ها را می‌خورد و ازبین می‌برد، تا زمانی که در اعمال ما هم گناه و معصیت و رذائل اخلاقی باشد، می‌توان گفت: جمع کردن اعمال صالح بی‌فایده است؛ زیرا بدی‌ها خوبی‌ها را - مانند آن موش - می‌خورد و ازبین می‌برد.^۲

۱. مثنوی معنوی، دفتر اول، ص ۲۱.

۲. خوانندگان محترم می‌توانند برای مطالعه بیشتر در این زمینه به کتاب «مراقبات اخلاق توحیدی» (جلد دوم؛ مراقبه بر حدود الهی) که توسط مؤسسه جلوه نور علوی علیه السلام چاپ شده است، مراجعه نمایند.

جایگاه ترک محرمات در مکتب ملاحسینقلی همدانی رحمته الله علیه به طور خاص

در میان همه گرایش‌ها و مکاتب اخلاقی-تربیتی، در مکتب منسوب به آخوند ملاحسینقلی همدانی رحمته الله علیه^۱ - که همان نظام تربیتی بزرگانی چون امام خمینی رحمته الله علیه و علامه طباطبایی رحمته الله علیه می‌باشد - التزام به شریعت مقدس، از جمله ترک گناهان ظاهری اهمیت خاصی دارد. تاحدی که باید گفت: این مرحله در این مکتب، به منزله مقدمه تلقی می‌گردد.^۲

این مطلب، در کلمات بزرگان این مکتب سلوکی، آشکار است. به عنوان مثال: شیخ محمد بهاری رحمته الله علیه - که از بزرگان این مکتب و از شاگردان ملاحسینقلی همدانی رحمته الله علیه است - نامه‌ای از استاد خود نقل می‌کند که اولین عبارت ایشان (ملاحسینقلی همدانی رحمته الله علیه) اینچنین است: «مخفی نماناد بر برادران دینی که به جز التزام به شرع شریف در تمام حرکات و سکنات و تکلمات و لحظات و غیرها، راهی به قرب حضرت مَلِكِ الملوک - جَلَّ جلاله - نیست. ...»^۳ تا آنجا که ایشان در انتهای این نامه طولانی می‌فرماید: «الحاصل لا طریق إلى القرب إلا بشرع شریف فی کلِّ کَلْبٍ و جزئی»^۴

همچنین خود مرحوم بهاری در همین کتاب، پیرامون ترک گناهان (به عنوان اولین مرتبه مراقبه) می‌فرماید: «إِنَّ السَّالِكَ سَبِيلَ التَّقْوَى يَجِبُ عَلَيْهِ مَرَاعَةُ أُمُورٍ: الْأَوَّلُ تَرْكُ الْمَعَاصِي وَ هَذَا هُوَ الَّذِي بُنِيَ عَلَيْهِ قِوَامُ التَّقْوَى وَ أُبْسَسَ عَلَيْهِ أَسَاسُ الْآخِرَةِ وَ الْأَوَّلَى وَ مَا تَقَرَّبَ الْمُتَقَرَّبُونَ بِشَيْءٍ أَعْلَى وَ أَفْضَلَ مِنْهُ.»^۵

۱. می‌توان این مکتب را مکتب اخلاق توحیدی و یا مکتب «نجف» نام نهاد.

۲. درآمدی بر مکتب تربیتی علامه طباطبایی رحمته الله علیه، استاد فیاض بخش، ص ۶۹.

۳. تذکرة المتقين، محمد بن محمد بهاری همدانی، ص ۱۷۶.

۴. همان، ص ۱۸۲. ترجمه عبارت: «حاصل اینکه: راهی به قرب الهی به جز (عمل) به شرع شریف در هر امر کلی و جزئی نمی‌باشد.»

۵. همان، ص ۱۵-۱۴. ترجمه عبارت: «همانا پویای راه تقوا، بر او چند امر واجب می‌باشد: اول: «ترک گناهان» و این همان چیزی است قوام تقوا بر آن بنانهاده شده و اساس آخرت و دنیا بر آن استوار گردیده است و اهل تقرب به چیزی والاتر و برتر از آن تقرب نجسته‌اند.»

بنیان‌گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی، امام خمینی رحمته‌الله علیه، به‌عنوان عارفی که این طریق را پیموده، در کتاب «اربعین حدیث» می‌فرماید: «و بدان که هیچ راهی در معارف الاهیة پیموده نمی‌شود، مگر آنکه ابتدا کند انسان از ظاهر شریعت. و تا انسان متأدب به آداب شریعتِ حقّه نشود، هیچیک از اخلاق حسنه از برای او به حقیقت پیدا نشود و ممکن نیست که نور معرفت الهی در قلب او جلوه کند و علم باطن و اسرار شریعت از برای او منکشف شود و پس از انکشاف حقیقت و بروز انوار معارف در قلب نیز متأدب به آداب ظاهره خواهد بود. و از این جهت دعوی بعضی باطل است که به ترک ظاهر، علم باطن پیدا شود یا پس از پیدایش آن به آداب ظاهره احتیاج نباشد. و این از جهل‌گوینده است به مقامات عبادت و مدارج انسانیت. و شاید موفق شدم به بیان بعضی از آن در این ورقه‌ها، **إن شاء الله تعالی**»^۱

پیرامون سیره عملی و علمی علامه طباطبایی رحمته‌الله علیه - به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین تبیین‌کنندگان این مکتب - نیز از تلمیذ بزرگوار ایشان، علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی رحمته‌الله علیه نقل شده است:

«و اما از جهت شرع، خود، یک فقیه متشرع بودند که در رعایت سنن و آداب، بتمام معنی **الکلمة بذل توجه داشتند و حتی از به‌جا آوردن کوچک‌ترین مستحبات دریغ نمی‌نمودند و به آوردگان شرع مُبین به دیده تعظیم و تجلیل و تبجیل می‌نگریستند.** و نسبت به بعضی از صوفیه که به شرع مقدس آن‌طور که باید و شاید اهمّیت نمی‌دهند، معترض و از آنان انتقاد می‌نمودند؛ و روش آنان را مقرون به خطا و غیرمُصیب به سرمنزل مقصود می‌دانستند.»^۲

۱. شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص ۸.

۲. مهر تابان، ص ۱۲۳.

«و همچنین نسبت به کسانی که دارای قوه عقلیه بوده و حکمت و فلسفه را خوانده بودند، ولی در امور شرعیه ضعیف بودند، اعتنایی نداشتند و می فرمودند: حکمتی که بر جان ننشیند و لزوم پیروی از شریعت را به دنبال خود نیاورد، حکمت نیست.»^۱

از این دست تعابیر، پیرامون سیره علمی و عملی بزرگان این مکتب سلوکی، بسیار است؛ ولی ما به همین مقدار بسنده می نماییم.

شناخت محرّمات، لازمه توبه صحیح و پیشگیری از ارتکاب دوباره

شناخت گناهان و محرّمات شرعی نیز در سیر اخلاقی- تربیتی ملاحسینقلی همدانی رحمته الله علیه جایگاه برجسته ای دارد؛ زیرا در ابتدای این سیر، وقتی انسان می خواهد به طور کامل و صحیح از همه گناهان گذشته خود، توبه نماید، لازمه آن این است که همه محرّمات را بشناسد؛ چون ممکن است او مرتکب حرامی شده باشد، درحالی که اصلاً نمی دانسته آن عمل، حرام است.^۲ همچنین اگر کسی احکام و شرایط فقهی توبه را نداند، ممکن است که توبه او -از نظر شرعی- ناقص بوده و همواره او نسبت بدین مسئله جاهل باشد. (در این اثر، احکام و شرایط توبه نیز ذکر شده است.)

از طرف دیگر، بعد از توبه و تطهیر اعمال گذشته، انسانی که قصد طریق الی الله را نموده، باید «گناه شناس» باشد تا دوباره گرفتار این بلاهای خانمان سوز نشده و از آلوده شدن نفس پاک خود، «پیشگیری» نماید.

پس شناخت احکام گناهان، حداقل از دو جهت، ضرورت و فایده دارد. (یکی از جهت «توبه از گذشته و محاسبه اعمال گذشته» و دیگری از جهت «پیشگیری نسبت به آینده».)

۱. همان، ص ۱۲۵.

۲. البته گاهی هم برعکس این مسئله پیش می آید؛ یعنی انسان گمان می کند عملی حرام است، درحالی که اصلاً حرام نبوده و کاملاً مباح است. (در کتاب حاضر، این رویکرد نیز لحاظ شده است؛ یعنی مثلاً در ذیل بخش «اقسام و مصادیق»، بعضاً مسائلی آورده شده که شاید افرادی گمان کنند مصداق آن گناه و حرام می باشد؛ درحالی که از نظر آن فقیه اینگونه نیست.)

براین اساس، در مکتب تربیتی ملاحسینقلی همدانی رحمته الله علیه و علامه طباطبایی رحمته الله علیه شناخت محرمات جایگاه ویژه‌ای دارد.

پاسخ به یک شبهه

ممکن است کسی اشکال کند که: در روایات اهل بیت علیهم السلام گناه عالم از گناه جاهل بزرگ‌تر و عقوبت آن سنگین‌تر است؛^۱ پس همان بهتر که ما گناهان را کامل نشناسیم؛ زیرا علم بیشتر همان و عذاب شدیدتر همان!

در پاسخ به این شبهه باید گفت: اولاً، این دسته از روایات، منافاتی ندارد با روایاتی که به «فضل عالم بر جاهل» تأکید می‌نماید؛^۲ زیرا به طور کلی دانستن و علم برتر است نسبت به ندانستن و جهل.^۳ بنابراین، احادیثی که گناه عالم را از گناه جاهل سنگین‌تر می‌داند، در مقام بیان شدت مسئولیت عالم است و اینکه از یک فرد آگاه بیشتر از یک فرد ناآگاه توقع می‌رود؛ نه اینکه نباید عالم شد و در جهالت ماند.

ثانیاً، مثل فردی که به دنبال شناخت محرمات نمی‌رود، به خیال اینکه دانستن این مسائل برای انسان - به اصطلاح - دردسرساز می‌شود، مثل کسی است که ویروسی وارد بدنش شده و او اصلاً خبر ندارد. این ویروس کم‌کم بدن این فرد را از بین می‌برد؛ درحالی‌که

۱. مانند این روایت: «عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ: يَا حَفْصُ! يُعَقَّرُ لِلْجَاهِلِ سَبْعُونَ ذَنْبًا قَبْلَ أَنْ يُعَقَّرَ لِلْعَالِمِ ذَنْبٌ وَاحِدٌ.» «امام صادق عليه السلام فرمود: ای حفص! برای جاهل هفتادگناه آمرزیده می‌شود، قبل از اینکه برای عالم یک‌گناه آمرزیده شود.» (الکافی، ج ۱، ص ۴۷)

۲. به عنوان نمونه: «عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا.» «طلحه بن زید می‌گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: کسی که بر غیر بصیرت عمل کند، مثل کسی است که بر غیرراه حرکت کند؛ سرعت حرکت فقط دوری او را افزایش می‌افزاید.» (الکافی، ج ۱، ص ۴۳)

۳. «... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» (الزمر، ۹) «... بگو: آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند، برابرند؛ منحصرأصحابان اندیشه متذکر می‌شوند.»

او غافل است. از این فرد سؤال می‌کنیم که: اگر این ویروس را شناسایی کنید و آن را از بین ببرید، بهتر است یا اینکه نسبت به آن بی‌اعتنا بوده و آن را شناسایی نکنید؟! گناه نیز اگر زود شناسایی نشده و از میان اعمال ما بیرون نرود، کم‌کم اعمال صالح ما را از بین می‌برد و آن‌ها را بی‌تأثیر می‌کند؛ زیرا چه بخواهیم و چه نخواهیم، گناه -مانند آن ویروس- آثار شوم خود را می‌گذارد. این درحالی است که ویروس، جسم انسان را مضمحل می‌کند و گناه، قلب و روح آدمی را منکدر. بنابراین، به ضرورت شناخت احکام گناهان خدشه‌ای وارد نیست.

تبیین مقصود از «احکام گناهان»

مقصود از «احکام گناهان» یا به تعبیر کامل‌تر: «احکام فقهی گناهان»، حکم‌های تکلیفی شرعی (واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام) مرتبط با گناهان و محرمات می‌باشد. در نتیجه، مباحث آن مربوط به علم «فقه» می‌باشد. برای مثال، در مورد گناه «غیبت»، غیبت کودک و مجنون یا مسئله غیبت غیرمسلمان یا اساساً تعریف فقهی «غیبت» و... موضوعات و احکام فقهی «غیبت» محسوب می‌شود.

بنابراین در این اثر به موضوعات و مباحث اخلاقی مربوط به آن گناه، مانند ریشه‌ها و علل اخلاقی آن یا ردائیل اخلاقی مرتبط با آن و یا پیامدهای دنیوی و اخروی اش و... - با وجود اهمیت‌شان - پرداخته نمی‌شود. این مباحث باید در جایگاه دیگری مطرح شود و این موارد مربوط به علم «اخلاق» می‌باشد. (چنانچه علمای اخلاق در کتب اخلاقی بدان پرداخته‌اند.) در واقع می‌توان عنوان کلی این مباحث را «احکام اخلاقی گناهان» دانست؛ نه «احکام فقهی» آن‌ها.

پیشینه «احکام فقهی گناهان»

مسائل و احکام فقهی مربوط به گناهان، بیشتر در کتاب‌های «مکاسب محرمه» ای است که فقها تدوین فرموده‌اند که به جرئت می‌توان پرچمدار ایشان را شیخ اعظم

انصاری رحمته الله علیه دانست. همان طور که خوانندگان محترم مستحضر هستند و از این عنوان نیز پیداست، موضوع «مکاسب محرمه»، کسب‌ها و تجارت‌های حرام می‌باشد. از جمله این کسب‌ها و از جمله ابواب کتاب‌های مکاسب محرمه: آن کارهایی است که اکتساب به آن‌ها حرام است؛ به سبب اینکه خود این کارها عمل حرامی می‌باشد. («ما یحرم الاکتساب به لکونه عملاً محرماً فی نفسه.») احکام مربوط به گناهان، بیشتر در این باب مطرح شده است. بدین ترتیب که به بهانه طرح این موارد (مثل غیبت، کذب، دشنام، غنا و...)، معنا و احکام مربوط به آن‌ها نیز بحث شده است که برای اهل علم و طلاب علوم دینی بسیار جای تأمل و تحقیق دارد.

علاوه بر کتاب «مکاسب محرمه» (اثر گران سنگ شیخ اعظم انصاری) و شروح و حواشی متعدد آن، می‌توان از «المکاسب المحرمة»، اثر فقهی امام خمینی رحمته الله علیه، «احکام المتاجر المحرمة»، اثر فقیه نبیل، شیخ مهدی کاشف الغطاء رحمته الله علیه و نیز «المکاسب المحرمة»، اثر آیت الله اراکی رحمته الله علیه و... نام برد.

در این مجال، لازم است در میان آثار فقهای عظام عصرمان، از رساله توضیح المسائل فقهی-اخلاقی آیت الله العظمی مظاهری رحمته الله علیه نیز یاد کنیم. ایشان بخش دوم رساله توضیح المسائل را به احکام فقهی-اخلاقی مربوط به بسیاری از گناهان، اختصاص داده‌اند. در اثر پیش رو، از این منبع نیز استفاده شده است؛ تا آنجا که-بنابر توضیحاتی که بیان خواهد شد- اسلوب کلی این کتاب و بسیاری از عناوین، از اثر مذکور معظّم له، الهام گرفته شده است.

ضمن تکریم و تعظیم آثار فقهای بزرگمان-از جمله آثار ذکر شده- جای خالی اینکه این موضوع (احکام فقهی گناهان)، به شکل مجزّاً و مبسوط، مطرح گردد، احساس می‌شود؛

۱. البته همان طور که اشاره شد، آیت الله مظاهری رحمته الله علیه به طور مستقل به این موضوع پرداخته‌اند؛ اما ایشان نیز احکام همه گناهان را مطرح نفرمودند.

به این معنا که ما کتاب یا رساله‌ای فقهی که به طور مستقل و مفصل، تحت عنوان «احکام گناهان» یا «فقه الذنوب» و عناوینی از این دست، تدوین گشته باشد، نیافتیم.

تدوین مجموعه کتب «احکام گناهان»

در راستای دغدغه مذکور، گردآوری و سپس تبویب و تدوین احکام همه محرمات، از سال ۱۳۹۷، به توصیه و تحت اشراف جناب استاد محمدتقی فیاض بخش رحمته الله، در موسسه جلوه نور علوی، به طور جدی آغاز گردید. در مراحل انجام این پروژه گسترده، بیش از ده نفر از طلاب فاضل حوزه علمیه - هریک به نحوی - همکاری داشته‌اند. مجموع ساعات علمی اختصاص یافته به این پژوهش - تا به حال - بیش از سه هزار ساعت مفید می‌باشد.

اثر پیش رو که حاوی نظرات فقهی مرجع عالی قدر، آیت الله العظمی مکارم شیرازی رحمته الله است، بخشی از پروژه گسترده «احکام گناهان» می‌باشد.^۱ در ادامه مطلب، به مراحل تدوین این اثر اشاره خواهد شد.

مراحل گردآوری و تدوین این اثر

۱. تهیه عناوین گناهان و ملاک انتخاب آنها

با استعانت از روایات مربوط به گناهان و نیز کتب فقهی مرتبطی که اشاره شد و برخی منابع فقهی - اخلاقی دیگر، فهرستی از گناهان - به اصطلاح - شرعی و ظاهری که ارتکاب آنها حرمت فقهی دارد، مهیا گردید. ملاک انتخاب این عناوین (گناهان) آن بود که بدون هیچ قید و شرطی، فقیه، عمل به آن را حرام بداند؛ از بزرگ‌ترین گناهان کبیره (که در رأس آنها «شُرک و کفر» است) گرفته تا گناهان خیلی کوچک‌تر، بررسی شده و با

۱. خوانندگان محترمی که می‌خواهند خلاصه نظرات آیت الله العظمی مکارم شیرازی رحمته الله و نیز دومرجع عالی قدر دیگر - رهبر معظم انقلاب رحمته الله و آیت الله العظمی سیستانی رحمته الله - را ملاحظه فرمایند، می‌توانند به «احکام گناهان مورد ابتلا» که جلد اول از این پروژه بوده و توسط مؤسسه جلوه نور علوی رحمته الله به چاپ رسیده، مراجعه نمایند.

جست‌وجوی‌های گسترده و مراجعات متعدد به منابعی که ذکر خواهد شد، مسائل و استفتائات مربوط به این گناهان، استخراج و تنظیم و دسته‌بندی گردید. با دسته‌بندی و عنوان‌بندی‌ای که انجام شد، مجموع این گناهان، به حدود هشتاد مورد رسید.

برخی از این عناوین، کاملاً مشهور بوده و در ابواب کتب روایی و بالتبع کتب فقهی-اخلاقی با همین عنوان از آن‌ها یاد شده‌است؛ مثل غیبت، تهمت، کذب (دروغ)، ربا، قطع رحم و...؛ اما برخی دیگر، با اینکه از نظر فقها، مصادیق حرامی دارند، ولی عنوان خاصی را برای آن در منابع مذکور نمی‌توان یافت. به دلیل اینکه می‌توان آن‌ها را ذیل یک موضوع مشخص قرار داد، عنوانی برای این مصادیق مشخص شده‌است؛ مثلاً همان‌طور که می‌دانید، از نظر غالب فقهای عصر ما، هر کاری که موجب تضعیف نظام اسلامی بوده و یا مصداق جدی قانون‌شکنی در جامعه و نظام اسلامی باشد، شرعاً حرام می‌باشد. این موارد با اینکه گناه هستند، ولی نمی‌توان عنوان خاصی در ابواب روایی و حتی فقهی-اخلاقی برایشان یافت. براین اساس، عنوانی با این تعبیر برایشان مشخص شده‌است: «تضعیف نظام اسلامی و قانون‌شکنی.»

نکته دیگر در مورد این عناوین آنکه: اگر بخواهیم با یک نگاه دقیق منطقی و فقهی عناوین محرمات را بررسی کنیم، بسیاری از گناهان ذیل یک عنوان کلی‌تر قرار می‌گیرد. در این صورت، تنها آن عنوان کلی‌تر باید مطرح شود و دیگر نیاز نیست عناوین جزئی مطرح گردند؛ مثلاً «غیبت»، «تحقیر»، «تمسخر»، «فحش و دشنام» و... می‌تواند ذیل عنوان کلی «ایذا» (اذیت کردن) یا «وهن» قرار می‌گیرد یا مثلاً «اکل مال یتیم»، «سرقت»، «غصب» و محرماتی از این دست، تحت عنوان کلی «مصرف به ناحق حق الناس» می‌باشد.

با وجود اینکه تا حد امکان، این مطلب رعایت شده‌است؛ اما عمدتاً این عناوین جزئی‌تر به عنوان یک گناه مستقلاً ذکر گردیده‌است. به این دلیل که هم در میان کلمات بزرگان و فقهای -همچون شیخ انصاری رحمته‌الله، در مکاسب- و هم در میان توده مردم